

دکتر محمدحسین حلیمی

تکیه گاه ایرانی، هویت ایرانی

گفتگو با دکتر محمدحسین حلیمی

محمد حسین حلیمی به سال ۱۳۱۹ در شهر همدان به دنیا آمد. در رشته نقاشی دانشکده هنرهای زیبا تحصیل کرد. به منظور ادامه تحصیل و کسب اطلاعات جدید عازم فرانسه شد. وی با ورود به دانشکده هنرهای تزئینی پاریس (آرت دکو)^(۱) و همچنین دوره فوق لیسانس هنرهای تجسمی دانشگاه سوربن تجربیات تازه‌ای را شروع کرد. ابتدا از دوره فوق لیسانس رشته گرافیک (کمونیکاسیون-ویژوئل) فارغ التحصیل شد، پس از آن فوق لیسانس هنرهای تجسمی و بعد دکترای سیکل سوم را از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۶۰ به اتمام رساند و بلافاصله به ایران مراجعه کرد. وی در حال حاضر دانشیار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. کتاب «اصول و مبانی هنرهای تجسمی» تألیف دکتر محمد حسین حلیمی، در دوره دوازدهم کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان کتاب سال برگزیده شد.

در ۲۸ مهرماه ۱۳۹۳ در دفتر چیدمان پذیرای ایشان بودیم و گفتگویی صمیمانه و مختصر به علت کم بودن زمان شکل گرفت...

چیدمان: آینده گرافیک ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اکنون در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که امکانات فنی و ارتباطی بسیار گسترده در اختیارمان هست، هنرمندان هم به خوبی از آن بهره می‌برند. امکانات انفورماتیک برای همه تسهیلاتی را فراهم کرده که می‌توان به سهولت از همه جای دنیا خبردار شد. هنرمندان نیز که همیشه به دنبال



هم بوده‌اند. هنرمندانی مثل استاد صادق بریرانی^[۱] که از هنرمندان بزرگ و پیشکسوت هنر گرافیک ایران بوده و هستند، مسیری را رفته و فعالیت‌هایی را ارائه داده‌اند که همواره برای هنرمندان الگو بوده است.

مرحوم مرتضی ممیز^[۳] نیز که شخصیت بی‌همتای هنر گرافیک معاصر بودند علاوه بر تسلط بر معیارها و ضوابط هنر پیشرفته گرافیک جهانی، هویت و شهرت بی‌نظیر خود را به خاطر توانایی‌های بسیار بالای فنی و درک درست فرهنگ ملی و سنتی ایران بدست آوردند. او همواره با هنرمندان ایرانی سنتی و هنرمندان بزرگ جهان در تماس بود و از توانایی و تجربه‌های آن‌ها استفاده می‌کرد، و چون خودش هم پر تلاش بود هویت خود را به خاطر هوشمندی و تلاش مداوم و تشخیص هنری صحیح به دست آورده است. به خاطر ارتباط علمی با شخصیت‌های بزرگ هنری جهانی در سطح بالا مقبولیت جاویدان به دست آورد. او با علاقه وصف ناشدنی و روی باز به هنرهای سنتی و ملی از یک طرف و توجه به دستاوردهای هنری هنرمندان جهان و الهام گرفتن از آن‌ها و همواره با تکیه بر هنر ایرانی، توانست کارهای ارزنده‌ای از خود به جای بگذارد. علاوه بر فعالیت هنری خدمات دانشگاهی او هم بسیار مهم است، ممیز از اولین اساتید رشته گرافیک ایران می‌باشد که با فعالیت‌های دانشگاهی خود راهنمای دانشجویان و هنرمندان به هنرهای ملی و هنرهای سنتی ایران بود. این عقیده را داشت که برای هویت‌دار بودن باید تکیه‌گاهشان تکیه‌گاه هنر ایرانی باشد. هنرمندان معاصر ما که توانسته‌اند موفق باشند آن‌هایی بوده‌اند که سکوی پرش خود را فرهنگ و هنر ایرانی قرار داده‌اند.

چیدمان: هنرمندان طراح ما معمولاً در روش‌هایشان همچنان از نشانه‌های غربی استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار دارند. آیا نیاز به تدوین برنامه جامع و تئوریک برای بومی‌سازی هنر

۲- صادق بریرانی متولد ۱۳۰۲، از پیشکسوتان هنر گرافیک ایران است که در کنار ارائه آثار گرافیکی به نقاشی نیز می‌پردازد.

۳- مرتضی ممیز (۴ شهریور ۱۳۱۵ تهران-۵ آذر ۱۳۸۴ تهران) طراح شهیر گرافیک و تصویرگر و استاد دانشگاه تهران که رشته تحصیلی دانشگاهی گرافیک را در ایران راه اندازی نمود.



لوگوی شورای شهر تهران، طراح: محمدحسین حلیمی

کارهای تازه و خوب هستند دنبال جاذبه‌های تازه می‌روند و جذب و طرفدار آن می‌شوند. پس می‌توان گفت که آینده گرافیک ما با وجود امکانات انفورماتیک بدین شکل، آینده‌ای خوب و درخشان خواهد داشت و در این دنیای گسترده، حرف‌های جدید و تازه آن‌ها همه را جذب خواهد نمود. حالا که بحث گرافیک ایران مطرح است اولین سؤال این خواهد بود که گرافیک ایران و سرنوشت هنری آن چه خواهد شد؟ گرافیک ایران اگر همواره توجیهش به دست دیگران باشد و خواسته یا ناخواسته از دیگران تقلید کند و تمام حواسش به نحوه آثار دیگران باشد همواره مقلد باقی خواهد ماند. در این شرایط بهترین راه اینست که به هنر ایرانی آگاهی و اشراف پیدا کند و متکی به سرچشمه‌های ارزشمند و درخشان هنر ایرانی باشد و منبع الهامش را در هنر ایرانی بیابد به جای اینکه به دست دیگران نگاه کند و با تکیه بر هنر ایرانی هنرش را بسط و گسترش دهد. البته نباید از امکانات علمی و مدرن هنر گرافیک جهانی بی‌بهره بود، می‌بایست با ذهن باز و گزینش صحیح به تمام دستاوردهای هنری دنیا توجه کرد و متناسب با نیازهای مادی و فرهنگی و ضرورت‌های اجتماعی بهترین را انتخاب نمود. در این شرایط تکیه‌گاه هنرهای ملی ضرورت خواهد داشت. اگر هنرمندان ایران تکیه‌گاه ایرانی داشته باشند، آینده گرافیک ما هویت‌دار و ایرانی خواهد بود و به همه جای دنیا هم معرفی خواهد شد که هنرمند گرافیک ایرانی هویت ایرانی دارد.

این ایده باید آگاهانه و عالمانه دنبال شود، در غیر اینصورت در آینده نزدیک، هیچ کجا نام و نشان هنرمند و هنر ایرانی را نخواهد یافت گرافیکی خواهد بود که هویت نخواهد داشت.

چیدمان: نقش دانشگاه‌ها و فضاهای آموزشی و برنامه‌های درسی رشته گرافیک را در هویت بخشی به گرافیک معاصر ایران چگونه می‌بینید؟

مدرسین ما باید به حرفه خود مسلط باشند، ابعاد رشته گرافیک گسترده است. باید آگاهی کامل و جامع داشت، باید تجربه‌های متعدد کرد با مطالعه دقیق و صحیح هنر، می‌توان فهمید چه هنرمندی در این رابطه موفق بوده‌اند. در ایران هنرمندان شاخص که توانایی بالایی داشته‌اند علاوه بر اینکه کار خوب و هنری می‌کردند مدرسین هنری خوبی

گرافیک احساس نمی‌شود؟

هنر گرافیک در مدارس و دانشگاه‌های ایران نسبت به سایر رشته‌های هنری نسبتاً تازه‌کار است. عمر مدارس دانشگاهی آن بیشتر از پنجاه سال نیست. مدرسین دانشگاه‌های هنری ما، به هر حال چون اغلب از الگوهای آموزشی نمونه‌های غربی استفاده کرده‌اند طبیعتاً آن الگوهای آموزشی را مفید دانسته‌اند و در نتیجه باعث شده که همان الگوها، خط و ربط و جریان هنری آن‌ها را رقم بزنند.

در این چهل پنجاه سال اخیر به شدت تحت تأثیر نمونه‌ها و فرآورده‌های هنری غربی بوده‌ایم تنها تعداد معدودی از هنرمندان گرافیک هستند که به هنر ایرانی وفادار و به آن توجه نموده‌اند، اکثراً چون تکیه‌گاهشان دستاوردها، نمونه‌ها و الگوهای غربی بوده بنابراین هر آنچه از دستشان برآمده به هنر غرب شباهت دارد.

با نگاه به کار و هنر هنرمندان برخی کشورها مثل ژاپن، لهستان، می‌بینیم که به ارزش‌های فرهنگی و هنر سنتی و بومی خودشان اهمیت داده‌اند و آن‌را همواره مورد استفاده قرار داده‌اند. در عین حالی که جهانی هستند، هویت هم دارند و اگر طراحی حروف، مدال، نشان و یا تصویرسازی می‌کنند در آثارشان روح و هنر سنتی و ملی آن‌ها دیده می‌شود. علتش اینست که آن‌ها پیوند خودشان را با ارزش‌های سنتی خود حفظ کرده‌اند و آن‌را رها نکرده‌اند.

ما هر زمان که به ارزش‌های ملی و سنتی بی‌توجهی کرده‌ایم بی‌هویتی ما بیشتر جلوه کرده است. ارزش‌های هنر سنتی باید به فعالیت‌های هنری هنرمندانی که به صورت آزاد کار می‌کنند و همچنین به برنامه‌های آموزشی دمیده شود. حال چگونه باید آن را دمید، این را مدرسین خبره می‌دانند که نمونه‌های آن در ایران مثل مرحوم ممیز، استاد بریرانی، استاد شباهنگی و... می‌باشند و تحت تأثیر فرهنگ بیگانه قرار نگرفته‌اند.

چیدمان: در طراحی گرافیک، هویت فکری و موضوعی اهمیت بیشتری دارد یا بیان تجسمی و بصری؟ چه کیفیتی از بیان بصری و مفهومی لازمست تا نشانه، هویت «نقش» به خود بگیرد؟

هر دو! بیان تجسمی و بصری با الفبای فنی و دقیق خودش فهمیده می‌شود، این هم نمی‌تواند وجود داشته باشد مگر در برنامه‌های آموزشی در مقاطع مختلف مطرح شده باشد. غربی‌ها در تدوین آداب طراحی مدرن و آموزش آن پیشگام بوده‌اند و انعکاسش را در تمام دنیا دیده‌ایم که ما هم از آن بی‌بهره نبوده‌ایم. ما برای اینکه طراحی درست داشته باشیم باید به برنامه‌های صحیحی که الفبای آن آگاهانه و عالمانه تدوین شده باشد نیاز داریم که هنرمندان نکته‌سنج روی آن کار کرده باشند. در این بخش باید با سواد بود و سواد بصری داشت. بعد از آن اگر کسی سواد و آگاهی لازم را داشت فعالیت گرافیکی را با آگاهی شروع می‌کند و کارهای اصیل را به وجود می‌آورد. پس باید زبان و سواد بصری گرافیک را یاد گرفت. وقتی سواد و زبان را یاد گرفته شود آن وقت می‌توان نتیجه گرفت و با تسلط تصویرسازی نمود، طراحی حروف انجام داد و عکاسی مؤثر هنری به وجود آورد؛ بدون اطلاع و آگاهی نمی‌توان عکاسی خوب کرد. داشتن ذهن خلاق هم خیلی مهم است. این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. اول باید زبان و بیان صحیح هر رشته علمی هنری را آموخت، سپس به انجام کارهای خلاقه روی آورد. تنها با تسلط بر زبان و بیان هست که می‌توان افکار و ایده‌های مورد نظر خود را با فصاحت هنری و تجسمی بیان نمود.

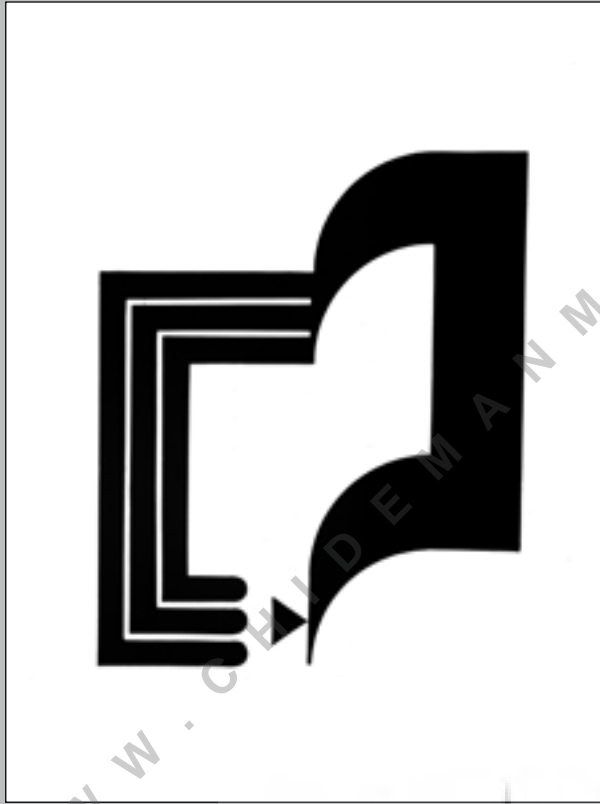
چیدمان: آثار طراحان گرافیک نسل جوان را چه طور می‌بینید؟

نسل جوان تحت تأثیر امکانات انفورماتیک معاصر به ساده‌انگاری گرفتار شده‌اند، زیرا تسهیلاتی که این امکانات را فراهم می‌کند شرایط درک و فهم عمیق را برای هنرمند هنرجوی معاصر فراهم نمی‌نماید. این مورد زمانی برای هنرمندان فراهم می‌شود که علاقمندان در عالم طراحی گرافیک به صورت جامع و کامل تلاش کنند نه اینکه به ابزارها متوسل شوند که بلافاصله راه‌های ساده و بی‌عمق در اختیارشان قرار می‌دهد. باید با تمام وجود این احساس وجود داشته باشد، در عین حال که از امکانات انفورماتیک معاصر استفاده می‌گردد. جوانان معاصر ما به علت سهولت دسترسی به امکانات جدید عدم آشنایی به درک و فهم درست اشکال و جلوه‌های عالم، سطحی‌نگر شده‌اند و در نتیجه اگر آثاری به وجود آورند شبیه هم و در یک سطح است.

در میان طراحان جوان گرافیک معاصر جوانانی داریم که نکته‌سنج هستند و گاهی با کارهای فوق‌العاده‌ای که انجام می‌دهند همه را غافلگیر می‌کنند، آن‌ها معمولاً کسانی هستند که علاوه بر امکاناتی که در اختیار همه هست از ابداع، ابتکار و نکته‌سنجی‌های خودشان حداکثر بهره را می‌برند و خلق اثر می‌کنند، خصوصاً کسانی که به ارزش‌های ناب هنر ایرانی واقف هستند و به آن وابستگی بیشتری دارند موفق‌ترینند. در همه زمینه‌ها باید تکیه‌گاه مطمئن داشت با ذهنی باز و پذیرا و با احترام به همه دستاوردهای هنری مدرن کار خود را ادامه داد.

می‌توان از این مباحث نتیجه‌گیری کرد که هنرمندان ما اگر بخواهند هم در سرزمین و میهن خودشان و هم در دنیا هویت داشته باشند باید تکیه‌گاهشان فرهنگ و هنر سنتی باشد و تحت جلوه‌های فریبنده امکانات انفورماتیکی امروزی قرار نگیرند و امکانات را به عنوان وسیله و ابزار خود به کار گیرند و مدیریت هنری و فکری خود را فراموش نکنند. ■





لوگوی جشنواره مطبوعات
طراح محمدحسین حلیمی



لوگوی دانشگاه علوم پزشکی
طراح محمدحسین حلیمی



لوگوی دانشگاه بوعلی
طراح محمدحسین حلیمی



لوگوی نمایندگان بین المللی کتاب تهران
طراح محمدحسین حلیمی